**( 21 )**

**هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار**

ای امین بعنایت رب العالمین بافق مبین فائز شدی و باشراقات انوار جمال قدم در این نیر ایام موفق گشتی امر در قبضه قدرت حق بوده و خواهد بود بسا از نفوس را بعد از اقبال از ادنی مقام باعلی ذروه امتناع که مقر تجلی انوار وجهست کشاند و بافق ابهی رساند و بعضی را از اعلی علو بما اکتسبت ایدیهم به پست ترین مقام مقر دهد انه یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید نیکوست حال نفسیکه از کأس انقطاع در ایام مالک ابداع نوشید و بخلوص تمام بخدمت سلطان انام قیام نمود چنآنچه مشاهده مینمائی که بعضی از افق انقطاع بشأنی طالع شده‌اند که جز حق را مفقود و معدوم شمرده‌اند و از ما عندهم لما عند الله گذشته‌اند این نفوس اگر چه اقل از کبریت احمر بوده و خواهند بود و لکن در این ایام بفضل رحمانی و عنایت ربانی معدودی مشاهده میشوند که بکمال همت در خدمت امر کمر بسته‌اند قدر این نفوس الیوم معلوم نه و لکن و نفسی الحق یجعلهم الله فی الظاهر و الباطن مرجع کل ذکر خیر انه لهو المقتدر القدیر من قبل المظلوم جمیع احبابرا تکبیر برسانید وصیت مینمایم جمیع بریه را بر استقامت بر امر و دیانت و امانت که لم یزل و لایزال محبوب بوده طوبی لمن زین هیکله بقمیص الامانة باید کل باین قمیص منیر فائز شوند تا جمیع من علی الارض از عمل احبای حق مهتدی گردند نفس عمل خیر هادی عباد بوده چنآنچه مشاهده شد که از بعضی از احبای الهیه که بعضی اعمال حسنه ظاهر بنفس آن اعمال

ناس اقبال نمودند و بشاطی بحر احدیه متوجه شدند شیئی بی رائحه خلق نشده از برای کل اشیا عرفی بوده و خواهد بود طوبی لنفس یتضوع منها عرف قمیص التقدیس انها من خیرة الخلق لدی الحق ان ربک لهو العلیم الخبیر نعیما لک یا امین بما اقبلت و دخلت و حضرت و فزت و رأیت و سمعت ندآء ربک العلی العظیم باید بحرارت محبت الهی در هر بلدی چنان ظاهر و مشتعل باشی که کل از آن حرارت بحرکت آیند و بقلوب بشطر محبوب توجه نمایند چه که سبیل رجل مقطوعست بما اکتسبت ایدی الظالمین ای امین علت حرکت حرارت بوده و علت حرارت کلمة الله لذا باید احبآء بنار کلمه الهیه عباد را از شمال ظنون بیمین یقین کشانند و از حرارت کلمه ربانیه چنان بحرکت آیند که از عوالم نفسیه فانیه بمعارج منیعه باقیه عروج نمایند ای امین اگر ناس بآداب و اخلاق ربانیه که در الواح منزله ثبت شده عامل میگشتند هر آینه مشاهده مینمودی من علی الارض را مقبلا الی الله ربک و رب العالمین و مقام تقدیس و تنزیه و اقبال و قرب و لقا با امورات ظاهره منافات نداشته و نخواهد داشت در این ظهور اعظم کل بکسب و اقتراف و صنائع متوکلا علی الله المهیمن القیوم مأمورند و این حکم در الواح مؤکدا نازل طوبی لمن فاز بما امر من لدن ربه الحکیم العلیم

افرح یا امین بما زیناک بقمیص الامانة ثم احفظ هذا المقام قل لک الحمد یا اله العالمین نسئل الله ان یوفقک فی کل الاحوال و یؤیدک علی ما اراد انه ولی المحسنین ببعضی از بلایای این مسجون مطلع شده ای بر هر ذی بصری مبرهن است که در بحر بلایا منغمسیم و تحت ایادی ظالمین جالس چه که با احدی از اعلی العباد من اهل الظاهر و ما دونهم مداهنه در امرالله ننمودیم چنآنچه از الواح منزله که برؤسای ارض ارسال شده مستفاد میشود لذا بر هر منصف بصیری واضح و معلوم است که جمیع آن نفوس سرا با کمال کین در قصد این ناطق مبین بوده و هستند و مع این امور در کل احیان ناس را بحق خوانده و میخوانیم اگر اقل من آن ناس در ما ظهر تفکر نمایند بیقین میدانند که این امر بقدرة الله ظاهر شده و بکمال سلطنت و اقتدار الهیه باهر گشته و ابدا بآسایش و راحت و خلاصی خود ناظر نبوده و نخواهد بود مثل او مثل عندلیبی است که تحت مخالب ظلم گرفتار شده ای اهل ارض بشنوید ندای این مظلوم را که خالصا لوجه الله ندا مینماید و قدری در دنیا و حوادث و عواقب آن تفکر نمائید و همچنین در ما اشرق من افق الامر و ما ظهر فی ایامه شاید اینقدر ادراک نمائید که صاحب ندا لله میفرماید و بامرالله تکلم مینماید تا از نعاق غافلین و ظنون متوهمین چه نفوسیکه باسم حق مذکورند و چه دون آن از مقامات باقیه ممنوع و محروم نمانید این مسجونرا مثل هدف مشاهده نمائید و از جمیع اطراف سهام متوالیا متواترا بر او میآید و لکن از عنایت الهیه تا حال محفوظ مانده و بعد الامر بیده انی احب ما احبه و ارید ما اراده و اشتاق ما قضی الله لی لان ما یظهر من عنده هو محبوبی و محبوب قلبی انه خیر لی انه لهو الغفور الرحیم

ای امین آنچه در حضور القا شد باید بکمال حکمت معمول داری اذا تمر علی البلاد قل یا الهی و سیدی و محبوب فؤادی و رجآء قلبی و المذکور فی ظاهری و باطنی اسئلک باسمک الذی انفق نفسه فی سبیلک و حمل البلایا فی حبک و اظهار امرک ان ترسل علی هذه الدیار نفحات قمیص رحمتک و الطافک ای رب هؤلآء عبادک و هذه دیارک و لو انهم احتجبوا باهوآئهم و بها منعوا عن التوجه الی شطر فضلک و الاقبال الی کعبة عرفانک و لکن انت الذی سبقت رحمتک الکآئنات و احاط فضلک الممکنات اسئلک باسمک الباطن الذی ظهر بسلطانک و جعلته مهیمنا علی من فی ارضک و سمآئک ان لا تدع هؤلآء باهوآئهم انزل علیهم ما یجعلهم مقبلین الی شطر عنایتک و ناظرین الی وجهک فانظر الیهم یا الهی بلحظات رحمانیتک و خذ ایادیهم بقدرتک و سلطانک اخرج یا الهی من جیب عنایتک ید قدرتک و بها اخرق الحجبات التی حالت بینهم و بینک لیسرعن کل الی شریعة قربک و یطوفن حول ارادتک و مشیتک لو تطردهم من یخلصهم من النار یا نور السموات و الارضین و حسب الامر هر یک از احبای الهی را ملاقات نمودی متوجها الی هذا الشطر البته من قبل الحق امر برجوع نمائید چه که امر این ارض بسیار صعب شده و بی اذن هم حاصلی نخواهند برد اینست حکم محکم امریه که از قلم اراده باذن مالک بریه جاری شده و البهآء علی من اتبع الحق و سمع ما امر به